

ریحانه عامل‌نیک
کارشناس فرهنگ

آمنه بیگم مجلسی از زنان عالم شیعه در دوره صفوی

این‌طور نیست که زنان اهل درس و بحث تنها مختص دوران حیات امامان شیعه باشند. اگر کتاب‌های تاریخ را ورق بزنید، نام زنان بسیاری را خواهید دید که در حوزه علوم دینی فعال بوده‌اند. یکی از معروف‌ترین زنان ایرانی در این حوزه آمنه خاتون نام دارد. او یکی از زنان معروف شیعه در دوره صفوی است. آمنه خاتون یا آمنه بیگم به سند کتب تاریخی دختر محمدتقی مجلسی، خواهر علامه مجلسی و همسر ملا صالح مازندرانی، است. مادرش دختر صدرالدین محمد حسینی عاشوری قمی بوده است. آمنه خاتون در فقه و حدیث شاگرد پدرش مجلسی اول و برادرش علامه مجلسی بود. درباره او گفته‌اند در جمع‌آوری احادیث بحارالأنوار به علامه مجلسی کمک کرده است. هم‌چنین نقل شده است ملا صالح مازندرانی در حل برخی عبارات کتاب قواعد الأحکام علامه حلی با او مشورت می‌کرده است. خودش نیز تألیفاتی داشته است مانند: شرح بر ألفیه ابن‌مالک، شرح بر شواهد سیوطی و مجموعه مسائل فقهی. کتاب دیگری که از او باقی‌مانده یک دیوان شعر است که نشان می‌دهد آمنه بیگم دستی در شعر و شاعر هم داشته است. نویسندگان او را شناخته شده به علم و فضل در زمان خود دانسته‌اند. از جمله عبدا... افندی نویسنده کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء که تقریباً هم‌عصر آمنه بیگم است او را صاحب فضل، علم و تقوا معرفی می‌کند. آمنه خاتون به پیشنهاد پدرش با ملا صالح مازندرانی ازدواج کرد. ملا صالح شاگرد مجلسی اول بود و بعدها کتاب‌های بسیاری از جمله شرح بر الکافی را نوشت. آمنه خاتون و ملا صالح شش پسر داشتند که همه اهل علم بودند. هم‌چنین یک یا دو دختر نیز داشته‌اند. وحید بهبهانی و آیتا... بروجردی از نسل آمنه بیگم و ملا صالح مازندرانی بوده‌اند. عجیب این است که سال تولد و وفاتش در کتاب‌ها ثبت نشده است. با این حال، وفات او را در قرن ۱۲ قمری دانسته‌اند. آمنه بیگم در اصفهان فوت کرد و در مقبره تخت فولاد دفن شد. برخی محققان مکان‌های دیگری را محل دفن آمنه بیگم دانسته‌اند.

روایت زنان ایرانی

نگاهی کوتاه به کتاب «کنار همین روزها»

مجموعه داستان «کنار همین روزها» اولین تجربه داستانی نویسنده مشهوری خانم مرجان سامانی است شامل دوازده داستان کوتاه با عناوین «خط‌های موازی»، «گرگ سوار»، «جشن بی‌عطری»، «چادر خاک»، «بی‌بی میمنت»، «سکوت اروند»، «ذهن‌های متعفن»، «به حکم ابد»، «هشتم مارس»، «شیرین که باشی»، «قاب تب‌دار» و «زیر چرخ‌های گاری». این داستان‌ها، روایت زنان ایرانی است، از زمان‌های دور گرفته تا کنار همین روزها، کنار همین روزمرگی‌ها، زنانی که در کنار ما زندگی می‌کنند و گاه دیده می‌شوند و گاه به چشم نمی‌آیند. در هر صورت، آن‌قدر هستند که ردپایشان در نگاه نویسنده نشست و داستان‌های این کتاب شکل گرفته است. زنانی که در این داستان‌ها حضور دارند، بخشی از واقعیت‌های اجتماع را نشان می‌دهند. این واقعیت‌ها گاه تلخ و زنده هستند مانند «ذهن‌های متعفن» و گاه ساده و بی‌پیرایه و سرشار از مهربانی مانند «شیرین» و «بی‌بی میمنت». زن‌های این مجموعه گاه راوی عشق‌های شکست‌خورده‌اند مثل پریناز در «خط‌های موازی» و ترنج در داستان «جشن بی‌عطری»، عشق‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته که بهترین راه برای مواجهه با آن، فرار و گریز از هجوم خاطرات آن‌هاست. معرفی زنان با دلواپسی‌های مادرانه در داستان‌های «قاب‌های تب‌دار» و «هشتم مارس» ادامه می‌یابد. شجاعت و بی‌باکی راوی «گرگ سوار» و «چادر خاک» ما را به شناخت کامل‌تری از یک زن جسور ایرانی می‌رساند و در داستان «سکوت اروند» با زنی مواجه می‌شویم که سال‌ها صبر کرده است و پاداش آن را می‌گیرد. «کنار همین روزها» مجموعه داستان خانم مرجان سامانی منشوری از رنگ‌ها و جلوه‌های زنانی است که به صورت شناخته شده و ناشناخته در این خاک زندگی می‌کنند. نویسنده این داستان‌ها سعی داشته است هر یک از شخصیت‌های اصلی داستان‌ها را در موقعیت‌های متفاوت داستانی قرار بدهد، سپس بدون اینکه خود را گرفتار تخیلات دوردست کند، برای هر یک از این موقعیت‌ها یک راه‌حل کاملاً ساده و بدیهی طراحی کند. گاهی نیز نویسنده ترجیح داده است شخصیت را در همان موقعیت و مشکل به‌وجودآمده رها کند مانند داستان «به حکم ابد»، زن‌هایی مثل «زیر چرخ‌های گاری» و «هشتم مارس» که چاره‌ای جز زندگی از روی ناچاری ندارند. همین مسئله داستان را به واقعیت زندگی بیشتر نزدیک کرده است. خود نویسنده در پشت جلد کتاب اذعان کرده مقصود او در این مجموعه داستان، ساختن زن‌هایی بوده است از جنس ریشه، همان قدر قدرتمند، همان قدر پرتوان، زن‌هایی که خلخالشان تخیال زمین را التیام می‌بخشد و مادرانگی‌شان خستگی را از شانه‌های زمین می‌تکاند.

این کتاب با نثری ساده و روان با زاویه دید اول شخص و در برخی داستان‌ها سوم‌شخص، در ژانر رئالیسم و گاهی مدرن نوشته شده است که با این انتخاب‌ها سعی کرده است لایه‌های درونی شخصیت زنان داستان‌هایش را به خوانندگان نشان دهد. «کنار همین روزها» نوشته مرجان سامانی به همت نشر داستان در سال ۱۴۰۰ روانه بازار کتاب شده و تاکنون به چاپ دوم رسیده است.

نعمه ترکمن‌نیا
مدیر فرهنگی

کنار همین روزها

• نویسنده: مرجان سامانی

شنبه

۲۱ شهریور ۱۴۰۱
۱۵ مهر ۱۴۴۴
شماره ۳۷۹

(۸)

شهرزاد

زهرآگریزیا

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی



تو زندگانی من باش زیر این باران

عاطفه رنگ‌آمیز طوسی متولد بهمن ۱۳۵۹ در مشهد است. او سرودن شعر را از دوران نوجوانی با شرکت در جلسات ادبی سطح شهر شروع کرده است. حضور در جلسات شعر آن‌زمان به‌ویژه جلسه شعر استاد صاحبکار برایش بسیار مغتنم بوده و تأثیر فراوانی بر بالندگی و پیشرفت آثارش داشته است. عاطفه رنگ‌آمیز با تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی در مسیر علاقه‌اش حرکت کرد و توانست مجموعه شعر «از روزهای نیستی و

باران» را در سال ۱۳۹۰ چاپ کند. این مجموعه که اشعارش در قالب کلاسیک است، در زمان خود بسیار مورد توجه اهالی ادبیات قرار گرفت و موجب شد عاطفه رنگ‌آمیز شاعری توانمند و جدی شناخته شود. عاطفه رنگ‌آمیز دل‌بسته غزل است و غزل‌های این بانوی شاعر بسیار پرشور و توانمند است. او با بهره‌گیری از زبان مدرن و امروزی در قالب غزل و توجه به مسائل روز جامعه، غزل‌های بسیار زیبایی سروده است. عاطفه رنگ‌آمیز بعد از مجموعه شعر «از روزهای نیستی و باران» که شامل غزل‌های این شاعر است، با گرایش به شعر سپید، مسیر شعری‌اش را در دو حوزه شعر کلاسیک و سپید پیش می‌برد. عاطفه رنگ‌آمیز در جشنواره‌های ادبی بسیاری برگزیده شده است و استادان شعر بارها آثارش را ستوده‌اند. چندین دوره برگزیده شدن در جشنواره شعر رضوی، شعر آفرینش، سوگواره عاشورایی البرز، جشنواره میلاد امام رضا^(ع) فارس و جشنواره قصه‌گویی بخشی از افتخارات ادبی عاطفه رنگ‌آمیز است، چنان‌که امسال نیز در جایزه شعر سپید هرمز علی‌پور از برگزیدگان بوده است. او هم‌اکنون مربی فرهنگی ادبی کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان است و با توجه به دغدغه و علاقه‌مندی‌اش در حوزه ادبیات کودک، کارشناسی‌ارشدش را با گرایش ادبیات کودک و نوجوان گذرانده است.

زبان مادریت تکه‌های شیرینی ست
زبان مادریت ام‌لخته‌های خون بر سنگ
تو از مصاحبت ماه و رود می‌آیی
من از غروب خراسان ز بقعه‌ای دل‌تنگ

میان ما و شما امتداد تنهایی ست
میان ما و شما کوه هست و دریا نیست
هرآنچه غربت غمناک در سرشت من است
سواد شهر در این برف و باد پیدا نیست

بهانه کن نفسم را و قصد قربت کن
بیا که آمدنت موسم گل است و گلاب
بگیر از شب یلدای رنگ‌رفته مرا
بریز بر تنم از آفتاب عالم‌تاب

بخواه حافظ اسرار دانه‌ها باشی
اشاره کن به تقلائی ساقه‌ای لرزان
«به‌رغم مدعیانی که منع عشق کنند»
تو زندگانی من باش زیر این باران

ضمیمه روزنامه شهرآرا

صاحب‌امتیاز
و مدیرمسئول:
شهرزادری‌مشهد
مدیرعامل:
سیدمیثم موسوی‌مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع‌هاشمی
دبیر‌ضمانت:
ارژنگ حاتمی
مسئول‌ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی

